

فرم های حکومت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

به سه فرم از فرم های حکومت اسلامی اشاره کردیم.

فرم چهارم: یک حکومتی داعیه ی اجرای شریعت را داشته باشد. مجلس مقننه، قوه ی قضائیه و مجریه اش بخواهند اسلام را پیاده کنند ولی فقیه در جایی از این حکومت نقش نداشته باشد نه به عنوان زعامت و مدیریت و نه به عنوان نظارت، اشراف و اذن. در اینجا اندیشه ی مشهور شیعه این است: چون این حکومت ارتباطش با معصوم از طریق فقیه قطع است این حکومت حکومت جائر و ظالم (غیر شرعی) است هرچند به عنوان خیر الموجودین باید از آن دفاع کرد و حکم به وجوب حفظش می کنیم.

این اندیشه ی مشهور بود اما آیا می توان گفت چنین حکومتی که از طریق رأی مردم آمده و اجرای اسلام هم می کند آن را مشروع بدانیم (چه اسم آن را حکومت اسلامی بگذاریم و چه نگذاریم)؟ من می خواهم از برخی از آیات قرآن استفاده کنم که خداوند متعال برای انسان های عالم به فنون مدیریت جامعه و عاقل (مسائل را خوب تشخیص دهد) و عادل (دین داشته باشد) ولو فقیه به معنای مصطلح نباشد، ولایت قائل شده است و ولایت این افراد را پذیرفته است و از طریق خاص (از طریق فقها در زمان غیبت) بودن مصداق منحصر نیست.

این خلاصه ای بود از اشکال و فرم های مختلف حکومت اسلامی. پس فقط یک فرم خاص ندارد.

سؤال بعد هم که آیا اگر حکومت اسلامی ممکن نبود ولی حکومتی که اقرب به اسلام است امکان دارد آیا چنین حکومتی لازم است؟ جواب این سؤال هم مثبت است. چون همان ادله ای که مسأله ی اول ما را به وجوب رساند (دلیل عقلی)، اقتضا می کند که این حکومت هم لازم باشد.

دو مسأله باقی می ماند که یکی را در همین جا و ذیل مسأله ی دوم می آوریم و مسأله ی دوم را که طولانی تر است را به صورت مستقل انشاءالله در سال آینده مطرح می کنیم.

یکی بحث نقش مردم است. آیا حکومت اسلامی چنانکه مقومش اجرای شریعت است این هم هست که مردم رأی دهند؟ جایگاه رأی مردم در حکومت اسلامی در چه حدی است؟ آیا در حد یک مقوم است در حد یک شرط تحسینی تکمیلی است یا صرفا برای مقبولیت عمومی است که فقیه بتواند بر مردم حکومت کند یا برای اسکات دنیا است؟ این بحث باید به صورت مستقل مطرح شود.

مسأله ی دیگر که ساده تر است این است که آیا می شود در یک کشور حاکمیت متعدد باشد؟